

معناشناسی واژگان اخلاقی خواص در قرآن کریم با تکیه بر تفسیر المیزان و آرای تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای (ره)

حمید حسین نژاد محمدآبادی^۱ و سید وزارت علی زیدی^۲

چکیده

انتقال کلام هدفمند خداوند متعال در قرآن، به واسطه کلمات است و واژگان قرآنی نقش اصلی در بیان قصد خداوند در آیات ایفا کرده و باعث گسترش معنا می‌شوند. واژه خواص در قرآن کریم نیامده است. آنچه آمده است، واژه‌هایی است که این معنا را تبادل می‌کنند؛ مانند علما، اولوالباب، سابقون و یا مترفین. در جامعه امروز، روحانیون، معلمان، استادان، رؤسای کشوری و لشکری، هنرمندان، قهرمانان ورزشی و افراد باسابقه سیاسی و انقلابی از جمله خواص محسوب می‌شوند. هدف اصلی ما در این مقاله، شناخت واژه‌های اخلاقی خواص در قرآن کریم، طبق تفسیر المیزان و آرای تفسیری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (ره) است. این تحقیق سعی دارد با استفاده از تفاسیر قرآن، به فهم واژگانی بپردازد که قرآن در توصیف اخلاق خواص به کار برده است. در قرآن، واژگان مخصوصی درباره خواص به کار رفته است. با تحلیل واژگانی می‌توان به کارکردهای خواص در جامعه و تأثیرات آن‌ها پی برد. در مقاله پیش‌رو کوشش شده است تا پس از تعریف مفاهیمی مانند اخلاق، خواص و... به ویژگی‌های اخلاقی خواص و معانی آن بپردازد. روش تحقیق در این مقاله به صورت تحلیلی - توصیفی و روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است.

کلیدواژه‌ها: خواص، اخلاق، علما، اولوالباب، سابقون، مجاهدان، مترفین، ملا، المیزان، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (ره)

۱. استاد همکار مدرسه عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، مشهد، ایران.

۲. نویسنده مسئول، دانش‌پژوه کارشناسی ارشد مدرسه عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، مشهد، ایران.



مقدمه

واژه‌ی خواص در قرآن کریم نیامده است. آنچه آمده است، واژه‌هایی است که این معنا را تبادل می‌کنند؛ مانند علما، اولوالباب، سابقون و یا مترفین. قرآن بر اهمیت خواص و تأثیرگذاری آن‌ها بر افراد و جامعه تأکید دارد؛ زیرا سخن و عمل آن‌ها و شهرتی که دارند، موجب تأثیرگذاری و حرف‌شنوی دیگران می‌شود و حتی دیگران سخن و عمل آن‌ها را بر خود مقدم می‌شمارند. قرآن برای خواص، واژگان خاصی به کار برده و ویژگی‌هایی برای آن‌ها برشمرده است. این تحقیق به بررسی این واژگان و تحلیل آن‌ها می‌پردازد. خواص جامعه نقش مهمی در شکل‌گیری حوادث تاریخی دارند؛ زیرا آنان با تصمیم‌گیری‌ها، اقدامات و رفتارهایشان، در به‌وجود آوردن انحراف یا تغییر شکل جریان‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، نقش مهمی ایفا می‌کنند. از این رو، با توجه به روشنگری مقام معظم رهبری و علامه طباطبایی در این باره و اهمیت انکارناپذیر آن، سعی کرده‌ایم درباره‌ی این مقوله بیشتر تأمل و تمرکز کنیم.

تحلیل و معناشناسی واژگان به‌کاررفته در قرآن کریم همواره مورد توجه اندیشمندان بوده است؛ چون این واژگان از منبع وحی صادر شده‌اند و در آن‌ها حکمتی مهم وجود دارد. از آنجا که قرآن در باب خواص، واژگانی را به کار برده است؛ مانند: خشیت، رفعت، خوف، تقوا، غافلون، نسیان، تقفه، سبقت و... این تحقیق به تحلیل واژگان اخلاقی خواص در قرآن، با تکیه بر تفسیر المیزان و آرای تفسیری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (ره) می‌پردازد.

۱. مفاهیم

۱-۲. مفهوم اخلاق

اخلاق، جمع خُلق، به‌معنای سرشت، خوی، طبیعت و امثال آن است که به‌معنای صورت درونی، باطنی و ناپیدای آدمی به کار می‌رود که با بصیرت درک می‌شود (ابن‌منظور، ۱۴۱۶ق، ج. ۱۰، ص. ۸۶). اخلاق در اصطلاح، به هرگونه صفت نفسانی گفته می‌شود که باعث پیدایش کارهای خوب یا بد شود؛ چه آن صورت نفسانی به‌صورت پایدار و راسخ باشد و چه به‌صورت ناپایدار و غیرراسخ، و چه از روی تأمل و اندیشه صادر شود یا بدون تفکر و تأمل (ابن‌مسکویه، ۱۳۹۴، ص. ۵۱). «اخلاق یعنی حلم و بردباری، صبر و مقاومت، صدق و صفا، شجاعت و فداکاری، طهارت و پاکدامنی» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳، ۱۲ آذر).

۱-۳. مفهوم خواص

خواص هر جامعه، افرادی هستند که اهل شناخت و تجزیه‌وتحلیل‌اند و بر اساس بصیرت، درباره‌ی وقایع تصمیم می‌گیرند و سردمداری جریان‌های اجتماعی به دست آن‌هاست (اسحاقی، ۱۳۸۵، ص. ۳۶). «خواص در اصطلاح، کسانی هستند که از روی فکر و فهمیدگی و آگاهی و تصمیم‌گیری کار می‌کنند؛ راهی را می‌شناسند و دنبال آن راه حرکت می‌کنند... خواص یعنی کسانی که وقتی عملی انجام می‌دهند، موضع‌گیری

می‌کنند و راهی را که انتخاب می‌کنند، از روی فکر و تحلیل است. می‌فهمند و تصمیم می‌گیرند و عمل می‌کنند» (خامنه‌ای، ۱۳۷۵، ۲۰ خرداد).

معنای خواص، صرف‌نظر از خوب یا بد بودن رفتار و نیت آنان، بیان می‌شود؛ بنابراین، می‌توان خواص را به دو دسته کلی خواص جبهه حق و خواص جبهه باطل تقسیم کرد.

۱. قسم خوب خواص در جبهه حق: کسانی هستند که از متاع دنیا استفاده می‌کنند و هنگام امتحان سخت الهی، در مقابله با دنیا، زندگی، مقام، شهوت، پول، لذت، راحتی و نام، موفق هستند.

۲. قسم بد خواص در جبهه حق: کسانی هستند که از متاع دنیا استفاده می‌کنند، ولی هنگام امتحان سخت الهی، در دست کشیدن از دنیا و مقابله با زندگی، مقام، شهوت، پول، لذت، راحتی و نام، موفق نیستند. از دیدگاه مقام معظم رهبری (ره) نیز خواص به دو گروه تقسیم می‌شوند:

۱. خواص با بصیرت: خواصی که موافق دلبستگی به دنیا نیستند و آنچه برایشان اهمیت دارد، محوریت حق است؛ اگرچه هیچ‌وقت نتوانند دنیا، مقام، پول و... را به دست آورند. بنابراین، با تسلیم در برابر حق و اطاعت اوامر الهی، به تکلیف عمل می‌کنند، اگرچه مخالف دنیایشان باشد. اینان خواص با بصیرت هستند (خامنه‌ای، ۱۳۷۵، ۲۰ خرداد).

۲. خواص بی‌بصیرت: «دسته‌ای از خواص که موافق دنیا هستند، توان تجزیه مسائل را دارند؛ اما آن‌جایی که پای تکلیف سخت به میان می‌آید، نمی‌توانند خود را از متاع دنیا جدا ساخته و به طرفداری حق روی آورند؛ از این رو، حق را به مسلخ آورده و قربانی می‌کنند؛ همان‌طور که امام حسین (ع) را به مسلخ کربلا کشاندند. خواص موافق دنیا، حق را می‌شناسند و طرفدار حق‌اند، اما در عین حال، در مقابل دنیا پایشان می‌لرزد. اینان همان خواص اهل باطل یا خواص بی‌بصیرت هستند» (خامنه‌ای، ۱۳۷۵، ۲۰ خرداد).

۴-۱. مفهوم علما

علم در لغت یعنی دانستن چیزی همراه با حقیقت آن. به کسانی که اهل علم هستند، علما می‌گویند. علما یعنی دانشمندان، آخوندان، ملایان و مشایخ. مراد از علما، کسانی هستند که در خصوص مسائل هستی، نظری صحیح ارائه دهند یا در کائنات تفکر و اندیشه کنند و به یگانگی خدا پی ببرند (عثمانی، ۱۳۷۹، ج. ۳، ص. ۳۲).

۵-۱. مفهوم سابقون

سابقون صیغه جمع مذكر اسم فاعل از مصدر سَبَقَ، به معنای پیشی‌گیرندگان است (ازهری، ۱۳۸۴). از باب مفاعله، به معنای مسابقه (حدید/ ۲۱) و از باب افتعال (استباق)، هم معنای باب تفاعل (تسابق) و به همان معنای مسابقه دادن با یکدیگر است (یوسف/ ۱۷). سابقون، گروهی هستند که در ایمان، اخلاق و اعمال خیر پیشتازند و خداوند آنان را از مقربان درگاه خود نامیده است (واقعه/ ۱۰-۱۱).



۱-۶. مفهوم اولوالالباب (صاحبان خرد)

کلمه اولوالالباب جمع است که از لفظ خود مفردی ندارد و از دو کلمه «اولوا» و «الباب» ترکیب یافته است (طریحی، ۱۳۷۵، ج. ۲، ص. ۱۶۵). کلمه «اولوا» اسم جمع است؛ یعنی مفردی که دلالت بر معنای جمع دارد؛ چون مفردش «ذو» به معنای صاحب است، اولوا نیز به معنای صاحبان می‌باشد (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج. ۱۲، ص. ۱۶۷). اولوالالباب همواره صله رحم می‌کنند، بر وفای به عهد با خدا پدیدارند و ترس از خدا دارند که از لوازم خلقت بشر است. آن‌ها دارای الباب و قلوب‌اند (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج. ۱۱، ص. ۴۶۷).

۱-۷. مفهوم مجاهدان و رزمندگان

مجاهد یعنی تلاشگر و مبارز؛ رزمنده نیز در لغت، به معنای جنگجو و مبارز است (انوری، ۱۳۸۲، ج. ۴، ص. ۳۶۱۰). رزمندگان اسلام در معنای کلی، همان مجاهدان فی سبیل‌الله‌اند. در قرآن، به کسی مجاهد گفته می‌شود که دین اسلام را به سرزمین‌های دیگر گسترش دهد و با دشمنان دین خود مبارزه کند (توبه/۷۳). مهم‌ترین مفهوم اصطلاحی جهاد، گونه‌ای خاص از تلاش است؛ یعنی مبارزه کردن در راه خدا با جان، مال و دیگر دارایی‌ها در نبرد با کافران و باغیان، با هدف گسترش و اعتلای اسلام و برپا داشتن شعائر یا دفاع از آن (نجفی، ۱۹۸۱م، ج. ۲۱، ص. ۳).

۱-۸. مفهوم مترفین

مترف یعنی واگذاشته‌شده به خود، که هرچه بخواهد بکند، یا افسارگسیخته‌ای که هرچه دلش خواست انجام دهد و مانعی در راه عیش و خوشی خود نبیند و ستمکار و خوش‌گذران باشد (محقق، ۱۳۹۱، ج. ۴، ص. ۸۱). مترفین یعنی کسانی که تنها به درآمد بیشتر، کنز و اندوختن بیشتر فکر می‌کنند و در این راه، حدود و مرزبندی‌های انسانی و الهی را نادیده می‌گیرند (حدید/۲۰).

۱-۹. مفهوم اهل ملاً (اشراف)

ملأ در لغت، به معنای اشرف، سران، پیشوایان مردم و افراد صاحب نفوذی است که به دلیل هیبت، غنا، ثروت و موقعیت، ابهت و بزرگی آن‌ها چشم مردم را می‌گیرد و در تصمیم‌گیری‌های خود به آن‌ها نگاه می‌کنند و پیرو آنان هستند (فیومی، ۱۳۵۶، ج. ۲، ص. ۵۸۰). آن‌ها در زندگی دنیا هر طور دلشان بخواهد رفتار می‌کنند؛ به همین دلیل، نمی‌توانند حق و حقیقت را بپذیرند (مؤمنون/۳۳).

۲. واژگان اخلاقی قرآن در وصف عالمان ربانی (صاحبان قلم و مبلغان)

۱-۲. خشیت

«وَمِنَ النَّاسِ وَالْدَّوَابِّ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (فاطر/۲۸). مراد از علما در اینجا، علمای بالله و ربانی است؛ یعنی کسانی که خدای سبحان را به اسماء، صفات و افعالش می‌شناسند؛ شناسایی تامی که دل‌هایشان به وسیله آن آرامش می‌یابد و لکه‌های شک و دودلی از نفوسشان

زایل می‌شود و آثار آن در اعمالشان هویدا می‌گردد و فعلشان مصدق قولشان می‌شود. مراد از «خشیت»، همان خشیت حقیقی است که به‌دنبالش خشوع باطنی و خضوع در ظاهر پیدا می‌شود (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج. ۱۷، ص. ۵۹). «خشیت یکی از خصوصیات علما است. خاصیت علم همین است که انسان را مشمول این نعمت بزرگ می‌کند؛ خشیت الهی بر دل انسان سایه می‌افکند. من توصیه به خشوع و ذکر و تقوا و سعی برای تقرب الی‌الله را برای طلاب، واجب‌تر می‌دانم تا توصیه به علم، که مایه اصلی کارشان علم است...» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱، ۲۶ شهریور).

۲-۲. تقوا

اگر مردم هر منطقه ایمان بیاورند و تقوا بورزند، درهای برکات آسمان و زمین بر آنان گشوده می‌شود و این به‌معنای تقوای همه افراد جامعه انسانی است، نه تقوای عده‌ای خاص؛ در این صورت، فساد از جامعه از بین خواهد رفت (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج. ۸، ص. ۲۱۰). مقام معظم رهبری می‌فرماید: «تقوا یعنی آن حالت به خود بودن و بی‌خود نبودن، به گوش بودن، به هوش بودن. لازمه‌اش چیست؟ پرهیز؛ پرهیز از تصادم، پرهیز از کار خطا، پرهیز از یک حرکت نابجا، پرهیز از غفلت نابجا. پرهیز همیشه در نکردن‌ها نیست؛ در کردن‌ها هم پرهیز لازم است. حالت پرهیز، یعنی همان مراقبت، همان تقوا، همان هوشیاری؛ توجه لازم است» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱، ۲۶ شهریور).

۲-۳. ذکر و عبادت

«اما در زمینه مسائل اصلی انسان که مربوط به انسان است، زن و مرد هیچ فرقی ندارند. خب، شما ببینید در تقرب الی‌الله، زنی مثل حضرت زهرا (س)، مثل حضرت زینب (س) و مثل حضرت مریم (س) هستند؛ رتبه آنان، رتبه‌های فوق تصور امثال ماهاست. زن و مرد هیچ فرقی با هم ندارند؛ جمله «مَنْ عَمِلَ»؛ هیچ عمل‌کننده از شما را تباه نخواهم کرد، هم اشاره به اصل عمل دارد و هم به شخص عمل‌کننده، تا روشن شود که محور اصلی پذیرش دعا، اعمال صالح ناشی از ایمان است و درخواست‌هایی فوراً به اجابت می‌رسند که به‌دنبال عمل صالح باشند» (خامنه‌ای، ۱۳۵۳، ۲۲ آبان).

۲-۴. عامل

«یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف/۲). ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی به زبان می‌گویید که در مقام عمل خلاف آن می‌کنید؟ بر مؤمنان است که هرگز آنچه را که خود عمل نمی‌کنند، به دیگران نگویند و در آنچه وعده می‌دهند، تخلف نکنند؛ زیرا این‌گونه اعمال، ایشان را مستوجب خشم خدا می‌کند و رسول را می‌آزارد. این خطر را نیز دارد که خدا دل‌هایشان را منحرف کند؛ همان‌طور که با قوم موسی (ع) چنین کرد؛ چون با اینکه می‌دانستند آن جناب رسول خدا به‌سوی ایشان است، مع‌ذک آن‌ها آزارش دادند و خدا مردم ستمکار را هدایت نمی‌کند (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج. ۱۹، ص. ۴۲۰).



۵-۲. دلسوزی

خداوند درباره نقش عالم ربانی در راهنمایی و دلسوزی برای مردم می‌فرماید: «وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلَاقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ» (قصص / ۸۰). «اندرزگوبان نخست سعی کردند غرور قارون را درهم بشکنند. در مرحله دوم، اختطار نمودند که دنیا وسیله است، نه هدف. در مرحله سوم، به او هشدار دادند که از آنچه داری، تنها بخش کمی را می‌توانی مصرف کنی. در مرحله چهارم، این حقیقت را به او گوشزد کردند که فراموش نکن خداوند به تو نیکی کرده، تو هم باید نیکی کنی، وگرنه مواهبش را از تو خواهد گرفت. در مرحله پنجم، او را از فساد در ارض، که نتیجه مستقیم فراموش کردن اصول چهارگانه قبل است، بر حذر داشتند. درست معلوم نیست که این نصیحت‌کنندگان چه کسانی بودند؛ قدر مسلم این است که مردانی دانشمند، پرهیزگار، هوشیار، نکته‌سنج، باشهامت و دلسوز بودند» (خامنه‌ای، ۱۳۵۳، ۳۰ آبان).

۶-۲. کمال‌جویی

«فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَجَلُّ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه/۱۱۴). پس بلندمرتبه است خداوندی که سلطان حق است، و تو قرآن را پیش از آنکه وحی آن به تو اعلام شود، با شتاب مخوان و بگو: پروردگارا، به دانش من بیفز. آنگاه می‌فرماید به‌جای تعجیل در خواندن وحی، علم بیشتری از پروردگارت طلب کن؛ یعنی اگر تو در قرائت آیه‌ای که هنوز بر تو کاملاً نازل نشده عجله می‌کنی، به این جهت است که تا اندازه‌ای به آن علم یافته‌ای، ولی به آن مقدار علم اکتفا نکن و بگو: خدایا، علم مرا بیشتر کن و از خدا بخواه تا صبر بیشتری به تو دهد تا بقیه وحی را بشنوی (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج. ۱۴، ص. ۹۹-۱۱۴).

۷-۲. دل‌کندن از دنیا (تهذیب)

«ما کسانی را داشتیم که از لحاظ علمی، مراتب بالایی هم داشتند و مغزشان قوی بود؛ اما دل و روحشان ضعیف و آسیب‌پذیر بود. وقتی بنیه معنوی و دینی ساخته نشود، آنجا که پای مقام و امکانات مادی به میان می‌آید، انسان می‌لرزد؛ آنجا که پای فداکاری به میان می‌آید، انسان می‌لرزد و نمی‌تواند جلو برود؛ آن‌وقت چطور می‌شود یک ملت و یک مجموعه را هدایت کرد؟ باید عمل کنیم تا بتوانیم اثر بگذاریم» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰، ۳۰ بهمن).

۸-۲. پاسخ‌گویی به مشکلات مردم

در صورتی که به چیزی علم ندارید، سراغ اهل ذکر و صاحبان قرآن و کتاب‌های آسمانی، یعنی عالمان، بروید و حل مشکلات و سؤالات خود را از آنان بجوید. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «پاسخ‌گویی به مردم، یک مفهوم غربی نیست؛ یک مفهوم اسلامی است. بعضی‌ها از هر چیزی خوششان بیاید، سعی می‌کنند آن را به‌گونه‌ای به فرآورده‌های افکار و مدنیت غربی منسوب کنند. نه، پاسخ‌گویی یک حقیقت اسلامی است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۳، ۲۶ فروردین).

۹-۲. حق پذیری

«وَلْيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ»؛ یعنی کسانی که قلب آن‌ها به نور علم روشن شده و در مقام پیدا کردن حق‌اند و قدرت تمییز حق و باطل را دارند (طیب، ۱۳۴۸، ج. ۹، ص. ۳۲۲). حق محدود به زمان و مکان نیست و خواص باید همیشه و در همه حال، دنبال حق باشند و با آغوش باز به استقبال پیامدهای دفاع از آن بروند. «حق، مبنای آفرینش الهی است؛ یعنی همان چیزی که باید باشد و همان چیزی که همه مجاهدت‌های مجاهدان عظیم تاریخ و عالم، برای رسیدن به آن است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۳، ۲۰ شهریور). قرآن کریم می‌فرماید: «... وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» (عصر/۳). «این یک دستورالعمل است؛ یعنی راه حق را بروید، دیگران را هم به راه حق بکشانید» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱، ۲۶ شهریور).

۱۰-۲. مسئولیت پذیری

«مسئولیت، یعنی هر انسانی در هر مرتبه‌ای که هست، در درجه اول از خود سؤال کند، ببیند رفتار و گفتار و تصمیم‌گیری او تحت تأثیر چه بود؛ عاقلانه و بر اساس پرهیزگاری بود، یا خودخواهانه و برای شهوات و اغراض شخصی. اگر انسان توانست وجدان خود را آرام کند و به ندای درون خود پاسخ گوید، خواهد توانست به دیگران هم پاسخ‌گو باشد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۳، ۲۶ فروردین).

۳. عالمان دنیایی

در تاریخ اسلام، خواصی که از یاران پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) بودند، همیشه خوب نبودند؛ بلکه بعضی از آن‌ها به علت عدم بصیرت و اقدامات نادرست، بعدها مطرود و محکوم شدند (مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۹۶، ج. ۲، ص. ۵). برای عالمان دنیایی، در قرآن ویژگی‌هایی بیان شده که در ادامه ذکر می‌شود؛ ویژگی‌هایی مانند: هواپرستی، کتمان حقایق، تحریف حقایق، وابستگی به دنیا، حسادت، بی‌عملی، ترک امر به معروف و نهی از منکر، حرام‌خواری و خیانت.

۴. واژگان اخلاقی در وصف سابقون

۱-۴. مقرب

سابقون، اسوه و قدوة مردم‌اند و امام و پیشوای خلق‌اند؛ به همین دلیل، مقربان درگاه خداوند بزرگ‌اند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۵۳، ج. ۲۳، ص. ۲۰۵). ابن عباس می‌گوید: از رسول خدا (ص) درباره این آیه سؤال کردم. فرمود: جبرئیل به من چنین گفته است: «ذلک علی و شیعتہ هم السابقون إلی الجنة، المقربون من الله بکرامته لهم»؛ آن‌ها علی (ع) و پیروان او هستند که پیشگامان به سوی بهشت و مقربان درگاه خدایند، به خاطر احترامی که خدا برای آن‌ها قائل شده است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۵۳، ج. ۲۳، ص. ۲۰۶).



۲-۴. رضایت الهی

آنچه خدا از آن‌ها خواسته، انجام داده‌اند و آنچه آن‌ها از خدا خواسته‌اند، به آنان بخشیده؛ بنابراین، هم خدا از آن‌ها راضی است و هم آنان از خدا راضی هستند. خداوند برای آن‌ها باغ‌هایی از بهشت فراهم ساخته که از زیر درختانش نهرها جریان دارند. از امتیازات این نعمت، آن است که جاودانی است و همیشه در آن خواهند ماند. مجموع این مواهب معنوی و مادی، برای آن‌ها پیروزی بزرگی محسوب می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۱، ص. ۲۶۲).

۳-۴. حسن معاشرت و صفای باطن

ساختمان این تخت‌ها و طرز قرار گرفتن آن‌ها و مجلس انسی که بر آن‌ها تشکیل می‌شود و سرور و شادمانی‌ای که در آن موج می‌زند، با هیچ بیانی قابل توصیف نیست. در قرآن مجید، کراراً از تخت‌های بهشتی و مجالس دسته‌جمعی بهشتیان توصیف‌های جالبی شده که نشان می‌دهد یکی از مهم‌ترین لذت‌های آن‌ها، همین جلسات انس و انجمن‌های دوستانه است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۵۳، ج. ۲۳، ص. ۲۱۱).

۵-۴. اسوه و راهبر

«وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا فُرْقَةً أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» (فرقان/۷۴)؛ و آنان هستند که گویند: پروردگارا، ما را زنان و فرزندانِ مرحمت فرما که مایه چشم‌روشنی ما باشند و ما را پیشوای اهل تقوا قرار ده.

۶-۴. خشوع و خضوع

مراد از قیام خدا این است که خداوند، در هنگامی که بنده‌اش عملی انجام می‌دهد، بالای سرش ایستاده و ناظر عمل اوست؛ اما نه ایستادنِ یک کارفرما و سرکارگر بالای سر کارگر، بلکه معنای قیام خدا، احاطه و علم خداست به آنچه بنده می‌کند و ضبط عمل بنده و جزا دادن به اوست (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج. ۱۹، ص. ۱۸۱).

۷-۴. مداومت در امور خیر

مؤمنین کسانی هستند که آنچه می‌دهند یا آنچه از اعمال صالح به‌جا می‌آورند، در حالی انجام می‌دهند و به‌جا می‌آورند که دل‌هایشان ترسناک از این است که به‌زودی به‌سوی پروردگارشان بازگشت خواهند کرد؛ یعنی باعث انفاق کردنشان یا آوردن اعمال صالح، همان یاد مرگ و بازگشت حتمی به‌سوی پروردگارشان است و آنچه می‌کنند، از ترس است (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج. ۱۵، ص. ۵۵).

۵. واژگان اخلاقی در وصف اولوالالباب (صاحبان خرد)

۱-۵. حق‌گرایی

مقام رهبری می‌فرماید: «حرکت در راه خدا، همیشه مخالفینی دارد. گروه طرفدار حق، همیشه کم هستند و گروه طرفدار باطل، همواره پرتعداد. بر خواص واجب است در مراحل حساس، حقایق را آشکار سازند و برای مردم بیان کنند تا آنان هشیار و هدایت شوند» (خامنه‌ای، ۱۳۷۵، ص. ۲۰ خرداد).

۵-۲. وفاداری به پیمان‌های الهی

اندیشمندان متذکر، آن‌هایی هستند که به عهد الهی وفا کنند و پیمان را نمی‌شکنند. میثاقی که آن را نقض نمی‌کنند، همان عهدی است که به آن وفا می‌کنند. و منظور از این عهد و میثاق هم آن عهدی است که به زبان فطرتشان با پروردگار خود بستند که او را یگانه بدانند و بر اساس توحید و یکتایی او عمل کنند و آثار توحید را از خود نشان دهند (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج. ۱۱، ص. ۴۶۸).

۵-۳. توصیه‌پذیری

قرآن در مورد توصیه‌پذیری اولوالالباب می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَ لَكِنَّ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ تَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (یوسف/۱۱۱). قرآن کریم هم شفا است؛ زیرا صفحه دل را از انواع مرض‌ها و انحرافات پاک می‌کند و زمینه را برای جای دادن فضایل آماده می‌سازد، و هم رحمت است؛ زیرا صحت و استقامت اصلی و فطری آن را به وی بازمی‌گرداند (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج. ۱۳، ص. ۲۵۴).

۵-۴. صبر و شکیبایی

خردمندان در مقابل مصیبت و معصیت، صبور هستند. آنان بر اجرای فرمان‌های الهی صبر پیشه می‌کنند و زحمت تکالیف را بر خود هموار کرده و در برابر ناگواری‌هایی که بر نفوس و اموالشان وارد می‌شود، مقاوم هستند. این صبر، برای رضایت و خشنودی خداست، نه اغراض دنیوی (طبرسی، ۱۳۷۴، ج. ۳، ص. ۲۷۴).

۵-۵. آینده‌نگری

«خردمندان کسانی هستند که سرمایه‌های وجودی خود را به بهای اندک نمی‌فروشند و فرصت‌ها را غنیمت می‌شمارند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱، ص. ۶۰).

۵-۶. عبرت‌گیری (پندپذیری)

اولوالالباب، افرادی هستند که اهل عبرت‌گیری‌اند و به‌واسطه دانش خود مغرور نمی‌شوند. «خداوند به هرکسی که بخواهد حکمت می‌بخشد و به هرکس حکمت داده شود، به یقین خیری فراوان داده شده است و جز خردمندان، کسی پند نمی‌گیرد» (بقره/۲۶۹). «تنها خردمندان هستند که پند می‌پذیرند» (زمر/۹).

۵-۷. استماع (پذیرش منطقی)

«الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَ أُولَئِكَ هُمُ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر/۱۸)؛ کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آن‌ها پیروی می‌کنند، آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده و آنان خردمندان‌اند. قرآن کریم بشر را به فکر صحیح دعوت نموده و طریقه صحیح علم را ترویج فرموده و هیچ‌گونه تردیدی در این نیست (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج. ۴، ص. ۲۰۷).



۶. واژگان اخلاقی در وصف مجاهدان

۶-۱. محبوبیت

«محبوب خدا شدن، از همه این چیزهایی که من گفتم، بالاتر است» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱، ۱۹ بهمن). «خداوند در یک جای قرآن از کسانی یاد می‌کند که «يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ»؛ هم آن‌ها خدا را دوست می‌دارند، هم خدا آن‌ها را دوست می‌دارد. خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در راه او پیکار می‌کنند، همچون بنای آهنبین و سدی فولادین. بنابراین، نفس پیکار مطرح نیست؛ آنچه مهم است، این است که پیکار «فِي سَبِيلِ اللَّهِ» باشد و آن هم با اتحاد و انسجام کامل، همانند سدی فولادین» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱، ص. ۶۳۲).

۶-۲. استقامت

«إِنَّ اللَّهَ يَجِبُ الَّذِينَ يِقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُورٌ» (صف/۴). خدای تعالی از مقاتلان، آن کسانی را دوست می‌دارد که چون کوه، ایستادگی و پایداری کنند (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج. ۱۹، ص. ۴۲۲).

۶-۳. شهادت‌طلبی

یکی از ویژگی‌های مجاهدان، شهادت‌طلبی است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ» (آل عمران/۱۴۳)؛ شما همانند که آرزوی کشته شدن در راه دین می‌کردید، پیش از آنکه با آن روبه‌رو شوید؛ پس چگونه امروز که به آن مأمور شدید، از مرگ نگران می‌شوید؟

۶-۴. شجاعت

خداوند به‌وسیله این افراد که در راه خدا جهاد می‌کنند، دین خود را یاری می‌دهد. «لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ»؛ ملامت ملامت‌گران مانع جهاد در راه خدا نمی‌شود و هیچ ترسی از آنان ندارند. آن‌ها به‌صورت مستمر در راه خدا جهاد می‌کنند و در راه انجام فرمان خدا و دفاع از حق، از سرزنش هیچ ملامت‌کننده‌ای نمی‌هراسند و ترسی ندارند؛ یعنی عوام‌زده و محیط‌زده نمی‌شوند (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج. ۵، ص. ۶۳۴).

۶-۵. برتری بر قاعدان

قاعدین، ثواب افرادی را که به جهاد رفتند یا شهید شدند و یا بر دشمن پیروز گشتند، ندارند. خدای تعالی مجاهدین را بر قاعدین برتری داده، هرچند که قاعدین عذر موجه داشته باشند (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج. ۵، ص. ۷۲). تفضیل و برتری دادن مجاهدین بر قاعدین، یعنی اینکه مؤمن سزاوار نیست به آن وعده‌خسنانی که خدای تعالی به عموم مؤمنین، چه مجاهدین و چه قاعدین، داده بود قناعت کند و از رفتن به جنگ و شرکت در جهاد فی سبیل‌الله و تلاش در اعلاى کلمه حق و کوبیدن باطل، کسالت بورزد (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج. ۵، ص. ۷۳).

۶-۶. اطمینان قلب

«یک مسئله دیگر، اعتماد به وعده الهی است. اگر کسی در راه خدا و در راه دین تلاش کند، او را نصرت خواهد داد؛ این وعده الهی است. در یک جا می‌فرماید: «... وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ...» (حج/۴۰)؛ یعنی

مؤکداً، مؤکداً خدای متعال نصرت می‌کند کسانی را که دین خدا را و او را نصرت کنند... امام به وعده الهی اطمینان داشت. امام و کسانی که دنباله‌رو فکر امام و رأی امام و راه امام بودند، می‌دانستند که این وعده قطعاً تحقق پیدا خواهد کرد؛ نگذاشتند حرکت کنند بشود. وقتی که اطمینان بود، امید به آینده بود، نمی‌گذارند که حرکت کنند بشود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ۱۹ بهمن).

۶-۷. صابر

مؤمن، شهادت طلب است؛ چون می‌خواهد محبوب خدا شود. جهاد و شهادت در راه خدا، باعث تحمل زجرهایی است که جز مؤمنان صابری که صبر جمیل را در درگاه الهی دارند، کسی را یاری تحمل آن‌ها نیست. مؤمنانی که حقیقت ایمان در قلب آنان نفوذ کرده، تنها توان چنین صبیری را دارند؛ صبیری که صاحبش با لذت، دشواری‌ها را تحمل می‌کند؛ لذا مؤمن صابر است و صابر هم شهادت طلب (ذبیح، ۱۳۸۵، ص. ۲۱).

۷. واژگان اخلاقی در وصف مترفان

۷-۱. خودبزرگ‌بینی

«خودبزرگ‌بینی یعنی مردم را نابخرد به حساب آوردن؛ اینکه وقتی به مردم نگاه می‌کنند، با تحقیر ببینند. ما در جامعه خود این چنین داریم؛ مثلاً به جنگ نگاه می‌کنند، به مردمی که با عشق و اخلاص برای دفاع می‌روند، اما این‌ها را تحقیر می‌کنند» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱، ص. ۱۶۹).

۷-۲. فسق

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «امروز یکی از مهم‌ترین مسائل ما، مبارزه با فساد است. فساد یعنی چه؟ فساد یعنی اینکه کسانی با زرنگی، با قانون‌دانی، با زبان چرب و نرم و با چهره حق‌به‌جانب، به جان بیت‌المال این ملت بیفتند و کیسه‌های خود را پُر کنند. وقتی پول و لقمه حرام در بین مردم و نخبگان و زبندگان رایج شد، گناه رایج می‌شود؛ «أَمْزَنًا مُّتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا». وارد شدن در میدان فساد مالی، مقدمه ورود به میدان فساد اخلاقی و فساد جنسی و فساد شهوانی و انواع و اقسام فسادهاست» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱، ص. ۲۹۲).

۷-۳. رفاه‌طلبی

قرآن، شخص رفاه‌زده را شخصی مستکبر می‌داند و از عوامل و اسباب استکبارورزی اشخاص در جامعه و رفتارهای اجتماعی ایشان را مسئله رفاه‌زدگی و رفاه‌طلبی می‌داند. «مترفین، کسانی‌اند که فزونی نعمت و رفاه‌زدگی، آن‌ها را مست و مغرور و غافل کرده بود. ثروتمندان بی‌درد، پیامبران الهی را مزاحم هوس‌رانی و ثروت‌اندوزی خود می‌دیدند؛ لذا رسالت و پیام الهی آنان را انکار می‌کردند و کفر می‌ورزیدند؛ زیرا آن‌ها حق محرومان را از ثروتمندان می‌گرفتند و به آنان می‌رساندند... از نظر آنان، اقتصاد که شامل ثروت و نیروی کار می‌شود، معیار ارزش در جامعه و دلیل مجازات نشدن است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱، ص. ۵۶۳).



۴-۷. تفاخر و تکاثر

قرآن کریم، تفاخر و تکاثر را از ویژگی‌های مترفین معرفی می‌کند. مترف، با تکاثر، مال را فراهم می‌آورد و از آن در راه خدا انفاق نمی‌کند، بلکه تنها آن‌ها را ذخیره می‌کند. مترفین به درآمد بیشتر، کنز و اندوختن زیادتر فکر می‌کنند و در این راه، حدود و مرزبندی‌های انسانی و الهی را نادیده می‌گیرند، باینکه زندگی و تفکر متکی بر اتراف و تکاثر، در اسلام ارزشی ندارد. قرآن کریم می‌فرماید: «اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَزِينَتُهُ وَتَفَاخُرُهُمْ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ» (حدید/۲۰).

۵-۷. مخالف حق و عدل

در هیچ جامعه‌ای با نظام حاکمش، نذیری نفرستادیم مگر اینکه قدرتمندان اقتصادی آن جامعه، مخالفت خود را ابراز داشتند و گفتند: ما با آنچه شما برایش فرستاده شده‌اید، یعنی حق و عدل، مخالفیم. قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ» (سبأ/۳۴).

۶-۷. مصر بر گناه

از ویژگی‌های دیگر آن‌ها این است که بر گناهانشان اصرار دارند و معاد را انکار می‌کنند. قرآن کریم می‌فرماید: «وَكَاذِبُوا يَصِرُونَ عَلَى الْاِحْنِثِ الْعَظِيمِ» (واقعہ/۴۶)؛ و بر گناه بزرگ، یعنی شرک و عناد، لجاجت و اصرار داشتند.

۷-۷. استهزای دیگران

آن‌ها مردم را مسخره می‌کردند و به آن‌ها عیب می‌گرفتند. به کسی که مال فراوان داده بود، می‌گفتند: ریا کرده؛ و به کسی که مال کمی داده بود، می‌گفتند: خواسته است خود را جزو انفاق‌کنندگان جلوه دهد. خداوند استهزاکنندگان را در دنیا مهلت می‌دهد و در ناز و نعمت سرگرم می‌کند و زمانی که طغیان آن‌ها به نهایت رسید، آنان را هلاک می‌کند. اگر مترفین را به فلان عذاب گرفتار می‌کنیم، علتش این است که آنان، پیش از این، در دنیا دچار طغیان بودند و به نعمت‌های خدا اتراف شده بودند (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج. ۱۹، ص. ۲۱۴).

۸-۷. تقلید کورکورانه

در سوره مبارکه زخرف، ویژگی دیگری از مترفین معرفی می‌شود که همان تقلید کورکورانه از پدران کافرشان است: «وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ» (زخرف/۲۳). آن‌ها به پیروی از آنان اصرار و پافشاری می‌کردند. تمسک به تقلید، اختصاص به اینان ندارد، بلکه عادت دیرینه امت‌های مشرک گذشته نیز بوده است. آن‌ها می‌گفتند: ما اسلاف و نیاکان خود را بر دینی یافتیم و همان دین را پیروی می‌کنیم و از آثار پدران دست برنمی‌داریم (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج. ۱۸، ص. ۱۳۸).

۸. واژگان اخلاقی در وصف اهل ملاً

۸-۱. اسیر زینت‌های دنیا

زینت یافتن زندگی دنیا در نظر مردم، آن‌ها را منحرف می‌کند. وقتی شیطان زندگی دنیا را در نظر زینت داد، او را می‌دارد تا از هوای نفس و شهواتش پیروی کند و هر حق و حقیقتی را از یاد ببرد. تنها هدف و همت او، رسیدن به شهوات و جاه و مقام می‌شود، هرچند که بر سر راهش، حقوقی پایمال شود (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج. ۲، ص. ۱۶۵).

۸-۲. خودخواه

«در طول دعوت انبیا، مستکبران کسانی بودند که دعوت الهی و توحید را قبول نکردند و با آن به مقابله برخاستند و زور گفتند: «قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ». وقتی پیامبر سخن حق می‌گوید و مردم را به حق دعوت می‌کند، مستکبران می‌گویند: اگر زیاد حرف بزنی، تو را اخراج می‌کنیم! یک گرایش کوچک و یک مظهر محدود از تفکر غیر و ضد خودشان را به‌هیچ‌وجه تحمل نمی‌کنند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱، ص. ۱۸۲).

۸-۳. بسیج شدن با هم بر ضد حق

اهل ملاً، به هنگام تزلزل قدرت، با هم بسیج می‌شوند. قرآن کریم می‌فرماید: «قَالَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ» (شعراء/۳۴)؛ فرعون رو به درباریان‌ش کرد و گفت: این مرد ساحری بسیار ماهر و داناست. فرعون این احتمال را در ذهن قومش تقویت می‌کرد و به بزرگان قوم خود می‌گفت: «إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ» (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج. ۶، ص. ۲۸۶). در حقیقت، همه با هم بر ضد حق بسیج شدند.

۸-۴. توطئه کردن

این مشورت در حضور فرعون و به دستور او صورت گرفت و مردی آمد و به موسی خبر داد که تصمیم گرفته‌اند تو را بکشند، و موسی را از تصمیم خطرناک آنان خبردار کرد و اشاره کرد که از شهر بیرون شود. موسی نزد فرعون با ناز و نعمت زندگی می‌کرد، تا به حد بلوغ و مردی رسید، و موسی (ع) در این مدت با فرعون گفت‌وگو از توحید می‌کرد تا آنکه تصمیم گرفت او را از بین ببرد. موسی ناگزیر از کاخ او بیرون رفت (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج. ۱۶، ص. ۲۸).

۸-۵. تمسخر دیگران

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «حالا شما فکر کنید جمعیت کمی در مقابل جمعیت زیادی که پول دارند، قدرت دارند، زبان دارند، تبلیغات دارند، مورد تمسخر قرار می‌گیرند و اهانت می‌شوند، اما تحمل می‌کنند. تحملی این چنین، ایمانی قوی می‌خواهد. اطرافیان نوح و مؤمنین به نوح، این ایمان قوی را داشتند» (خامنه‌ای، ۱۳۷۲، ص. ۲۹ دی).



نتیجه‌گیری

در این مقاله، معنای واژگان اخلاقی خواص در قرآن کریم با تکیه بر تفسیر المیزان و آرای تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای (ره) بررسی شد و آنچه نتیجه می‌گیریم، این است که خواص در دو جبهه حق و باطل قرار دارند. خواص جبهه حق، علمای ربانی، مجاهدان و رزمندگان، سابقون و اولوالالباب هستند که هرکدام دارای ویژگی‌های اخلاقی‌ای هستند که قرآن کریم به آن اشاره کرده است؛ مانند خشیت، تقوا، حق‌پذیری و... از طرف دیگر، خواصی هستند که در جبهه باطل‌اند؛ عالمان دنیایی، مترفین و اهل ملامت، که قرآن کریم ویژگی‌های مذمومی برای هرکدام از آن‌ها ذکر کرده است؛ مانند اسیر زینت‌های دنیا بودن، توطئه کردن، تمسخر و...

تاریخ ثابت کرده است که انحرافات از خواص جامعه شروع می‌شود و به عوام گسترش می‌یابد. بنابراین، انحراف عوام جامعه، در بسیاری از موارد، به دلیل انحراف خواص و گمراهی آنان است. خواص باید سعی کنند که هرگز عوام بودن را بر مردم نپسندند و در راه ایجاد بصیرت و آگاهی در میان مردم، از هیچ تلاشی مضایقه نکنند. هرچه اطلاعات، آگاهی و معرفت قشرهای مختلف مردمی بیشتر باشد، جامعه کمتر در معرض انحرافات قرار می‌گیرد. باید خواص جامعه، اعم از علما و اولوالالباب، در پیکار جهادگرانه، شب و روز در جهت بیداری و آگاهی سایرین، چه توده‌های مردمی و چه خواص در جبهه باطل، تلاش کنند و همیشه در صحنه باشند تا به یاری خداوند متعال و عنایات خاصه حضرت بقیةالله‌الاعظم، عجل الله تعالی فرجه الشریف، و در سایه رهنمودهای مدبرانه نایب برحق امام عصر، حضرت امام خامنه‌ای (ره)، دام ظلّه، بر همه مشکلات و ناملایمات جامعه پیروز شوند و همه مردم با سربلندی و اقتدار، در کنار هم، با وحدت و هم‌بستگی زندگی کنند.

منابع

قرآن کریم.

ابن مسکویه، احمد بن محمد. (۱۳۹۴). تهذیب الاخلاق (ترجمه صلاح‌الدین سلجوقی). تهران: انتشارات عرفان.
ابن منظور، محمد بن مكرم. (۱۴۱۶). لسان العرب (ج. ۱۰). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
ازهری، ابومنصور محمد بن احمد. (۱۳۸۴). تهذیب اللغة (تحقیق عبدالسلام محمد هارون). قاهره: مکتبه الخانجی.
اسحاقی، سید حسین. (۱۳۸۵). جام عبرت: بررسی عملکرد عوام و خواص در حادثه عاشورا با تکیه بر بیانات مقام معظم رهبری. قم: بوستان کتاب.

انوری، حسن. (۱۳۸۲). فرهنگ بزرگ سخن (ج. ۴؛ ویراسته کمال اجتماعی جندقی). تهران: سخن.
خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۷۰، ۳۰ بهمن). بیانات در اجتماع طلاب حوزه علمیه. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای. <https://khamenei.ir>
خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۷۲، ۲۹ دی). بیانات در خطبه‌های نماز جمعه دانشگاه تهران. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای. <https://khamenei.ir>
خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۷۳، ۲۰ شهریور). بیانات در درس خارج فقه. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای. <https://khamenei.ir>

خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۷۵، ۲۰ خرداد). بیانات در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص). پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای. <https://khamenei.ir>
خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۸۳، ۲۶ فروردین). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای. <https://khamenei.ir>
خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۳، ۱۲ آذر). بیانات. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای. <https://khamenei.ir>

خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۸، ۱۹ بهمن). بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای. <https://khamenei.ir>
خامنه‌ای، سید علی. (۱۴۰۱). بیان قرآن: تفسیر سوره بقره. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
خامنه‌ای، سید علی. (۱۴۰۱، ۲۶ شهریور). بیانات. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای. <https://khamenei.ir>

خامنه‌ای، سید علی. (۱۴۰۱، ۱۹ بهمن). بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی هوایی. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای. <https://khamenei.ir>
ذبیح، علیرضا. (۱۳۸۵). عرفان سرخ: تأثیر فرهنگ شهادت‌طلبی در حفظ ارزش‌های دینی. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.

طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۶۷). ترجمه تفسیر المیزان (ترجمه ناصر مکارم شیرازی و دیگران). تهران: رجاء.



- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر جوامع الجامع (ج. ۳؛ ترجمه احمد امیری شادمهری). مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). مجمع البحرین (ج. ۲؛ تحقیق سید احمد حسینی). تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- طیب، عبدالحسین. (۱۳۴۸). اطیب البیان فی تفسیر القرآن (ج. ۹). تهران: کتابفروشی اسلام.
- عثمانی، محمد شفیع. (۱۳۷۹). تفسیر معارف القرآن (ج. ۳؛ ترجمه محمد یوسف حسین‌پور). تربت جام: شیخ‌الاسلام احمد جام.
- فیومی، احمد بن محمد. (۱۳۵۶). المصباح المنیر (ج. ۲؛ تحقیق یوسف شیخ محمد). قاهره: دارالمعارف.
- محقق، محمد باقر. (۱۳۹۱). دائرة الفرائد در فرهنگ قرآن (ج. ۴). تهران: بعثت.
- مکارم شیرازی، ناصر، و دیگران. (۱۳۵۳). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۸۰). تفسیر روشن (ج. ۱۲). تهران: نشر کتاب.
- مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت. (۱۳۹۶). خواص و لحظه‌های تاریخ‌ساز (ج. ۲). تهران: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت.
- نجفی، محمدحسن. (۱۹۸۱). جواهرالکلام (ج. ۲۱؛ تحقیق رضا استادی). بیروت: دار احیاء التراث العربی.